

## International legal Criticism of the Verdict Issued in the Case of Marla Bennett regarding the Violation of the Immunity of Iranian Property in Canada

**Zahra Fallah Fard** *Corresponding Author*, MA in International Law, Department of Law, Chalus Branch, Islamic Azad University, Chalus, Iran. E-mail: [z.fallahfard@gmail.com](mailto:z.fallahfard@gmail.com)

**Syed Morteza Mirjood** Ph.D. International Law, Department of Law, Payam Noor University, Tehran, Iran.. E-mail: [seyedmirjood@yahoo.com](mailto:seyedmirjood@yahoo.com)

### Article Info

#### Article Type:

Research Article

#### Keywords:

Justice for Terrorism Act,  
Marla Bennett,  
Canada,  
Iran

### ABSTRACT

In 2019, the Supreme Court of Ontario, implemented the decision of the US appeals courts in this regard, according to the amendment of the 2012 Canadian Immunity Act and the Mutual Recognition of Judicial Opinions Act between the US and Canada. The document published by this court on August 7, 2019, emphasizes that the proceeds of two properties belonging to Iran, which were sold for an approximate value of 28.3 million Canadian dollars (21.3 million US dollars), should be presented to the heirs of Marla Bennett; Bennett was an American citizen who was killed in a 2002 Hamas bombing of the Hebrew University of Jerusalem. This action of the Canadian court, which was based on the Justice for Victims of Terrorism Act 2012 and the instructions on the lists of states that support terrorism, has put the question before international lawyers whether the violation of the immunity of the Iranian government's property in Canada is based on the principles of law. International, has a legal status? The result of the current research is that the main argument of the Canadian courts regarding the violation of the immunity of the state property of Iran in this country is that the Lebanese Hamas and Hezbollah groups are terrorists, and any support for them is considered to be support for terrorist groups. This is despite the fact that the procedure of the Canadian government in describing governments or groups as sponsors of terrorism is discriminatory, and it has accepted the effective control criterion as an international criterion, and most importantly, in none of the documents The UN, Hamas and Hezbollah groups in Lebanon have not been considered as terrorist groups, therefore, the exception of terrorism cannot be cited in violating the immunity of the Iranian government's property.

**Cite this Article:** Fallah Fard, Z., & Mirjood, S. M. (2024). International legal Criticism of the Verdict Issued in the Case of Marla Bennett regarding the Violation of the Immunity of Iranian Property in Canada. *International Relations Researches*, 14(2), 177-197.

doi: [10.22034/irr.2024.208731](https://doi.org/10.22034/irr.2024.208731)



© Author(s)

**Publisher:** Iranian Association of International Studies

**DOI:** [10.22034/irr.2024.208731](https://doi.org/10.22034/irr.2024.208731)



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## نقد حقوقی بین‌المللی بر رأی صادره در قضیه مارلا بنت ناظر بر نقض مصونیت اموال ایران در کانادا

زهرا فلاح فرد نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد، حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی،

چالوس، ایران. رایانامه: [z.fallahfard@gmail.com](mailto:z.fallahfard@gmail.com)

سیدمرتضی میرجود دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

رایانامه: [syedmirjoud@yahoo.com](mailto:syedmirjoud@yahoo.com)

درباره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	دادگاه عالی ایالت اونتاریو کانادا در سال ۲۰۱۹ به موجب اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها در ۲۰۱۲ کانادا و قانون شناسایی متقابل آرای قضایی میان آمریکا و کانادا رأی دادگاه‌های تجدید نظر ایالات متحده در این خصوص را شناسایی و اجرا کرده است. سندی که این دادگاه در هفتم اوت ۲۰۱۹ منتشر کرده است، تأکید می‌کند، عواید دو ملک متعلق به ایران که به ارزش تقریبی ۲۸.۳ میلیون دلار کلنآدایی (۲۱.۳ میلیون دلار آمریکایی) فروخته شده است، به وراثت «مارلا بنت» ارائه شود؛ بنت شهروند آمریکایی بود که در بمب‌گذاری حماس در دانشگاه عبری بیت‌المقدس در ۲۰۰۲ کشته شد. این اقدام دادگاه کلنآدایی که بر مبنای قانون عدالت برای قربانیان تروریسم ۲۰۱۲ و دستورالعمل فهرست‌های دولت‌های حامی تروریسم صورت گرفته است، این سؤال را پیش روی حقوق دانان بین‌المللی قرار داده است که آیا نقض مصونیت اموال دولت ایران در کانادا بر مبنای اصول حقوق بین‌الملل، از وجهه قانونی برخوردار است؟ نتیجه تحقیق حاضر آن است که استدلال اصلی محاکم قضایی کانادا در مورد نقض مصونیت اموال دولتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، تروریستی بودن گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان است که هرگونه حمایت از آنها، حمایت از گروه‌های تروریستی تلقی می‌شود. این در حالی است که از آنجا رویه دولت کانادا در توصیف دولت‌ها یا گروه‌ها به عنوان حامی تروریسم، تبعیض آمیز بوده و معیار کنترل مؤثر رابه عنوان معیار بین‌المللی مورد پذیرش قرار داده است و از همه مهم‌تر در هیچ یک از اسناد سازمان ملل متحد، گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان به عنوان گروه‌های تروریستی تلقی نشده‌اند، بنابراین نمی‌توان به استثنای تروریسم در نقض مصونیت اموال دولت ایران استناد نمود.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> قانون عدالت برای تروریسم، مارلا بنت، کانادا، ایران.	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۲۵	

**استناد به این مقاله:** فلاح فرد، زهرا، & میرجود، سید مرتضی. (۱۴۰۳). نقد حقوقی بین‌المللی بر رأی صادره در قضیه مارلا بنت ناظر بر نقض مصونیت اموال ایران در کانادا. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۲)، ۱۷۷-۱۹۷. doi: 10.22034/irr.2024.426338.2465.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





تروریسم یکی از اصلی‌ترین استدلالات دولت‌ها برای نقض مصونیت اموال دولتی است. این در حالی است که در فقدان تعریف عام الشمول حقوقی بین‌المللی در ارتباط با تروریسم، مصادیق عینی آن نیز در بین دولت‌ها با اختلاف نظرات وسیعی همراه بوده و موضوع اصلی قضیه مارلابنت نیز همین امر است. البته مؤلفه‌های مشترکی در ارتباط با اقدامات تروریستی و تروریسم نوین می‌توان بیان نمود از جمله این که تروریسم جدید برخلاف تروریسم‌های سابق که عمدتاً حول محورهایی هم چون پیشرفت، مبارزه با استعمار، ملی‌گرایی و تمایلات جدایی‌خواهانه بوده است، یک تروریسم مبتنی بر هویت است. البته این بدان معنا نیست که اقدامات تروریستی در نظام حقوق بین‌الملل محکوم نشده است چرا که جدا از این که ۱۲ کنوانسیون صرفاً در سطح سازمان ملل متحد در ارتباط با این موضوع وجود دارد، بلکه از جنبه‌های مختلف حقوق بشری نیز تأثیرات مستقیمی برجای گذاشته است. در هر صورت، روابط رسمی بین ایران و کانادا با افتتاح سفارت ایران در اتاوا در ۱۹۵۶ و سفارت کانادا در تهران در ۱۹۵۹ آغاز شد. در طول سال‌های بعد، دو کشور روابط تجاری عمده‌ای با هم داشتند؛ تا جایی که ۱۰۰۰ نفر از کارگران و پیمانکاران کانادایی در ایران فعالیت می‌کردند. سفارت کانادا در تهران پس از پیروزی انقلاب اسلامی باز بود؛ اما در سال ۱۹۸۰ به دنبال خروج امن شش نفر از اعضای سفارت آمریکا که دیپلمات‌های کانادایی آن‌ها را پناه داده بودند، روابط کانادا و ایران به حالت تعلیق درآمد. در پایان جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۸، کانادا تیم بزرگی از ناظران را تحت مأموریت بین‌المللی سازمان ملل متحد برای همکاری در نظارت بر آتش‌بس اعزام کرد. در همین حین، سفارت کانادا مجدداً بازگشایی و در ۱۹۹۰ سفیر کانادا تعیین شد. در طول دهه ۹۰ میلادی، روابط تجاری بین دو کشور به سرعت توسعه پیدا کرد؛ به طوری که ایران یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری کانادا در منطقه خاورمیانه گشت. این حضور متقابل دیپلماتیک تا سپتامبر ۲۰۱۲ ادامه داشت تا اینکه در این زمان، کانادا سفارت خود در تهران را بست و به دلایل گوناگون از جمله عدم تطابق ایران با قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد و سیاست‌های منطقه‌ای ایران دیپلمات‌های ایرانی را از اتاوا اخراج کرد. از آن زمان، ایتالیا به‌عنوان حافظ منافع کانادا در ایران تعیین شد. در کنار این موضوع، کانادا همواره یکی از منتقدان اصلی وضعیت حقوق بشر در ایران بود و از سال ۲۰۰۳ تاکنون نیز از حامیان اصلی قطعنامه‌های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در ایران است با اصلاحات صورت‌گرفته در قوانین مصونیت دولتی کانادا در یک دهه گذشته، این کشور در مسیری مشابه با ایالات متحده، البته با شدت کمتری



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



دولت‌های خارجی در نظام حقوق بین الملل مورد پذیرش قرار نگرفته است. با این حال، دولت‌های ایالات متحده آمریکا و کانادا به ترتیب در سال ۱۹۹۶ و در سال ۲۰۱۲ میلادی بر اساس قوانینی، به نقض مصونیت دولت‌های خارجی پرداخته‌اند. در ادامه، به بررسی تطبیقی نقاط تمایز و تشابه استثنای تروریسم در قوانین مصونیت ایران، آمریکا و کانادا پرداخته شده است.

۱. شرح قضیه و سابقه آرای قضایی علیه جمهوری اسلامی ایران در محاکم قضایی کانادا به دلیل

### تروریسم

۱-۱- شرح قضیه:

دادگاه عالی ایالت اونتاریو کانادا در سال ۲۰۱۹ به موجب اصلاحیه قانون مصونیت دولت‌ها در ۲۰۱۲ کانادا و قانون شناسایی متقابل آرای قضایی میان آمریکا و کانادا رأی دادگاه‌های تجدید نظر ایالات متحده در این خصوص را شناسایی و اجرا کرده است. سندی که این دادگاه در هفتم اوت ۲۰۱۹ منتشر کرده است، تأکید می‌کند، عواید دو ملک متعلق به ایران که به ارزش تقریبی ۲۸.۳ میلیون دلار کانادایی (۳۱.۳ میلیون دلار آمریکایی) فروخته شده است، به وراثت «مارلا بنت»<sup>۱</sup> ارائه شود؛ بنت شهروند آمریکایی بود که در بمب‌گذاری حماس در دانشگاه عبری بیت‌المقدس در ۲۰۰۲ کشته شد. شبکه‌های صهیونیستی برای بزرگ جلوه دادن این حادثه با انتشار اخبار و راه‌اندازی بورسیه‌های مختلف در دانشگاه‌های مطرح جهان از جمله (بورسیه مارلا بنت برکلی)<sup>۲</sup>، سعی در ایجاد انزجار عمومی گسترده‌ای داشتند؛ ولی حزب‌الله لبنان و حماس فلسطین این حادثه را به شدت محکوم و با خانواده قربانی ابراز همدردی کردند. همچنین این رأی در ارتباط با «دوآرد تریسی»<sup>۳</sup> و «جوزف سیسیپیو»<sup>۳</sup> صادر شد که حزب‌الله آن دو را بین سال‌های ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۱ گروگان گرفته بود. در پی این حکم، مرکز فرهنگی ایران به ارزش ۲۶.۵ میلیون دلار و مرکز مطالعات ایران نیز به ۱.۸۵ میلیون دلار به یک شرکت ساختمانی فروخته شد. همچنین خواهان سهمی از ۲.۶ میلیون دلار حساب‌های بانکی ایران، به علاوه حساب‌های شرکت «تویوتا کمری» و «مزدای ام.پی.وی» را دریافت کرد

اقدام کانادا در توقیف اموال فرهنگی و دیپلماتیک ایران در حالی صورت گرفته که این کشور در طول سالیان گذشته پناهگاهی امن برای مرتکبین جرائم کلان فساد بوده و هیچ اقدامی برای استرداد وجوه،

<sup>۱</sup> Marla Bennett

<sup>۲</sup> "Edward Tracey"

<sup>۳</sup> "Joseph Cicippio"



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



محسوب می‌شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. در وهله نخست بایستی به «قانون مصونیت دولت‌ها»<sup>۱</sup> در کانادا اشاره کرد که دکترین حقوق بین‌المللی مصونیت دولت‌ها را در ارتباط با فعالیت‌های غیرتجاری حقوق داخلی کانادا وارد ساخته است.

## ۲-۱- قانون مصونیت کانادا

قانون مصونیت دولت‌ها که در ابتدا با یک رویکرد مضیق نسبت به استثنائات مصونیت دولت‌ها پذیرفته شد، در طول سال‌های جاری با تبعیت از مدل آمریکایی مصونیت، استثنائات چندی را بر مصونیت دولت‌ها لحاظ کرده است. با این حال، این استثنائات نیز مانع از آن نشده است که اصل مصونیت دولت‌ها در قانون مصونیت دولت‌ها کانادا مورد نقض جدی قرار بگیرد؛ زیرا اصلاحیه این قانون بسیاری از اموال دولت‌های خارجی در کانادا را مصون از توقیف یا مصادره می‌داند. (Moravati, Ghorbani) (Sheikhneshin and Monavari, 2022: 265) برخلاف آمریکا، خاستگاه اصلی این اصلاحیه گفتمان موجود حقوق بشری در کانادا بود که دکترین فقدان مصونیت دولت برای نقض قواعد آمره حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مربوط می‌شد. هر چند نقطه کانونی این خاستگاه، توجه به قربانیان شکنجه بود، قربانیان دیگر جنایات بین‌المللی به‌ویژه جرائم جنگی، جنایات علیه بشریت و اعدام‌های فرا قضایی نیز در آن مورد توجه است. (Abdollahi and Khandan Kochaki, 2017: 272)

قانون مصونیت دولت کانادا ابتدا از شناسایی تروریسم به‌عنوان یک استثنا اجتناب کرده بود؛ اما حادثه بمب‌گذاری ۱۹۸۵ در هواپیمای خطوط هوایی هند منجر به کشته شدن تعدادی از اتباع کانادا و رشد مطالبات حقوق بشری از دهه ۹۰ میلادی شد و در سال ۲۰۱۲ اصلاح قانون مصونیت این کشور را رقم زد. در بخش ۲.۱ این اصلاحیه مقرر شده است:

«یک دولت خارجی در صورتی حامی تروریسم است که در جهات منافع خود یا غیر آن در ارتباط با یک نهاد تروریستی که مندرج در بند ۱ از بخش ۱۳.۰۱ قانون جزء، فعل یا ترک فعلی را مرتکب شده است. فعلی که در کانادا بر مبنای بخش‌های ۱۳.۰۲ تا ۱۳.۰۴ و ۱۳.۱۸ تا ۱۳.۲۱ قانون جزا جرم باشد»<sup>۲</sup>.

<sup>1</sup> "the State Immunity Act, ("SIA")"

<sup>2</sup> "...a foreign state supports terrorism if it commits for the benefit of or otherwise in relation to a listed entity as defined in section 83.01(1) of the Criminal Code, an act or omission that is, or had it been committed in Canada would be, punishable under any of sections 83.02 to 83.04 and 83.18 to 83.23 of the Criminal Code."





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



در بند ۱ بخش چهار این قانون ضرر یا خساراتی به آن‌ها رسیده است؛ مشروط بر اینکه رأی مزبور علیه یک دولت خارجی باشد که بند ۲ بخش ۶.۱ قانون مصونیت دولت‌ها به آن اطلاق شده باشد؛ بر همین مبنای دادگاه‌های اونتاریو در چندین سال گذشته، احکام قضایی دادگاه‌های آمریکا علیه ایران را اجرایی کرده‌اند. (Heshmati, Rezaiee and Torabi, 2019: 36)

در قضیه تریسی علیه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران - که پیشتر بدان اشاره شد - دادگاه عالی اونتاریو در پاسخ به اعتراض نماینده جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه مصونیت دولتی ایران بر اساس قانون عدالت برای قربانیان تروریسم سلب نمی‌شود؛ تصریح کرد که قانون مزبور از قانون مصونیت دولت‌ها مستقل عمل نموده و هدف این قانون بر طبق بخش سوم آن «بازداشتن از تروریسم از طریق ایجاد یک دلیل قانونی است؛ به طوری که به قربانیان تروریسم اجازه دهد تا مرتکبین جرائم تروریستی و حامیان آن‌ها را مورد تعقیب قضایی قرار دهند» (Tracey v The Iranian Ministry of Information and Security, 2016: para.57).

با این حال به نظر می‌رسد که در مورد شرایط اجرای این قانون، در رویه قضایی کانادا موسع عمل شده و قاعده مصونیت دولت‌ها در مقابل حمایت ادعایی دولت‌های دیگر از جمله جمهوری اسلامی ایران از تروریسم رنگ باخته است. برای نمونه قانون عدالت برای قربانیان تروریسم تصریح می‌کند که خسارت یا ضرر رسیده به قربانیان تروریسم باید بعد از اول ژانویه ۱۹۸۵ میلادی باشد، مفهوم مخالف این ماده آن است که خسارت‌ها یا ضرر قربانیان تروریسم پیش از این تاریخ را شامل نمی‌شود. با این حال، دادگاه‌های کانادا در این زمینه رویکرد موسعی را اختیار کرده‌اند و آن‌گونه که در قضیه تریسی مشهود است، جرم تروریسم را به‌عنوان یک جرم موسع در نظر گرفته‌اند که ضرر و خسارت آن‌ها به قربانیان یا بازماندگان آن‌ها تا پس از اول ژانویه ۱۹۸۵ میلادی ادامه داشته است! چنین تفسیری با توجه به اینکه مصونیت دولت‌ها به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی پذیرفته شده است تفسیری منطقی به نظر نمی‌رسد. این بدان معناست که با توجه به قاعده عطف به ماسبق نشدن قانون که در قانون عدالت برای قربانیان تروریسم نیز مورد تصریح قرار گرفته است، بایستی صلاحیت محاکم قضایی کانادا را از پس از لازم الاجراء شدن این قانون دانست نه این که برخلاف صراحت قانون، پیش از این لازم الاجراء شدن قانون فوق‌الذکر نیز صلاحیت محاکم قضایی را مورد پذیرش قرار داد. از دیگر موارد بحث‌برانگیز مطرح در این قانون که در رأی تریسی نیز بدان اشاره شد، این است که دادگاه کانادایی در پاسخ به دفاعیه جمهوری اسلامی ایران مبنی بر اینکه خواهان ملزم است تا یک جرم کیفری خاص را بر مبنای بند ۱ بخش دوم



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



### ۳. سناریوهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران

۳-۱- نقض قوانین داخلی مصونیت کانادا در ارتباط با اموال فرهنگی

یکی از استدلال‌های اصلی جمهوری اسلامی ایران «نقض قوانین داخلی مصونیت کانادا در ارتباط با اموال فرهنگی» است. با توجه به اینکه مصونیت اجرایی از مصونیت صلاحیتی جدا است و حتی با فرض اینکه دادگاه‌های کانادایی دارای صلاحیت رسیدگی به این قضیه بوده‌اند، مشکل دیگری واقع می‌شود و آن اینکه قسمت «د» بند ۱ ماده ۱۲ قانون مصونیت دولت‌های کانادا، مراجع را از اجرای احکام خارجی علیه اموال فرهنگی باز می‌دارد. با توجه به اینکه دو مرکز مصادره شده ایران از زمره اموال فرهنگی ایران تلقی می‌شوند، باید به این موضوع کرد که چه اموالی به‌عنوان اموال فرهنگی تلقی می‌شوند! ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۴ حفاظت از اموال فرهنگی نیز مهم‌ترین سند بین‌المللی در حوزه حمایت از اموال فرهنگی است که طبق تعریف ارائه‌شده در آن «اموال فرهنگی عبارت‌اند از اموال منقول یا غیرمنقول یا اشیایی که بخشی از میراث فرهنگی یک قوم یا ملت را تشکیل می‌دهد و متضمن نفع تاریخی، هنری یا مذهبی است. این اموال، هویت فرهنگی را که آن اموال معرف آن هستند، اعتلا می‌بخشد. اینکه آن اموال در کجا واقع شده و متعلق به چه شخصی است، تأثیری در این تعریف ندارد». ماده ۱ کنوانسیون اتخاذ تدابیر برای ممنوع کردن و جلوگیری از ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی ۱۹۷۰ پاریس نیز اموال فرهنگی را این‌چنین تعریف می‌کند: «منظور از اموال فرهنگی، اموالی اعم از مذهبی یا غیرمذهبی هستند که اهمیت آن‌ها از منظر باستان‌شناسی ماقبل تاریخ، تاریخی، ادبی، هنری یا علمی به‌وسیله هر دولت مشخص شده است».

بنابراین بر طبق این تعاریف اموال فرهنگی تنها محدود به اموال فرهنگی باستانی نیست و در صورت احراز شرایط انواع جدید آن را نیز در بر می‌گیرد؛ برای نمونه موزه‌ها و کتابخانه‌هایی که برای اهداف آموزش عمومی و نه تاریخی یا میراث فرهنگی تعبیه شده‌اند در این فهرست قرار می‌گیرند. با این حال، این تعاریف بسیار کلی است و شامل افراد زیادی می‌شود. ماده ۱ کنوانسیون شیوه‌های ممنوعیت و پیشگیری از ورود، صادرات و انتقال غیرقانونی مالکیت اموال فرهنگی دید بهتری در این زمینه ارائه می‌دهد. بر این اساس، ۱۵ مصداق برای اموال فرهنگی ارائه شده است؛ از جمله: مجموعه‌های نایاب و گونه‌های جانداران، گیاهان، مواد معدنی و کالبدشناسی و اشیاء با منفعت مربوط به انسان‌های عصر قدیم، تمبر پستی، سود سهام و تمبرهای مشابه به‌صورت منفرد یا در مجموعه و ... . باید توجه داشت که ابعاد کوچک یا بزرگ اموال فرهنگی نیز نقشی در افزایش یا کاهش حمایت از آن‌ها ندارد؛ همان‌طور که در



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



استدلال بر این فرض استوار بوده که مصونیت دیپلماتیک به فراتر از موارد کنوانسیون دیپلماتیک وین بسط پیدا می‌کند و برای مثال به اموال و حساب‌هایی اطلاق می‌شود که در اهداف دیپلماتیک به کار گرفته می‌شوند. با این حال، کانادا اموال دیپلماتیک ایران را در شناسنامه‌های وزارت امور خارجه‌اش بر مبنای بندهای الف و ج ماده ۱۱ «قانون مأموریت خارجی و سازمان‌های بین‌المللی»<sup>۱</sup> ثبت کرده و مدعی است که حساب‌های بانکی مأموریت‌های دیپلماتیک ایران جزء این اموال ثبت‌شده نبوده است!

مصونیت دیپلماتیک به‌عنوان یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل در قضایای مختلفی از جمله قضیه «کاظمی» مطرح شده است: «مصونیت دولت‌ها نه تنها یک قاعده حقوق بین‌الملل است، بلکه گزینه‌های داخلی را که در راستای اهداف سیاسی اتخاذ می‌شوند، به‌ویژه در ارتباط با روابط بین‌الملل منعکس می‌کند. تعهد کانادا به ممنوعیت جهانی شکنجه، تعهدی قوی است. با این حال، پارلمان حق انتخاب در ترجیح مصونیت دولت‌های خارجی بر جبران خسارت شهروندانی را که در خارج از کشور شکنجه شده‌اند؛ در اختیار دارد» (Supreme Court of Canada, Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran, 2014: 62). همچنین در طرح دعوی «بوذری» علیه جمهوری اسلامی ایران<sup>۲</sup> نیز بر همین، قاعده آمره بین‌المللی مصونیت دیپلماتیک تأکید شده است. این موضوع نه تنها در مسائل مطرح علیه جمهوری اسلامی ایران، بلکه در قضایای علیه جمهوری عربی سوریه نیز تأکید شده است از جمله قضیه «ارار در مقابل جمهوری عربی سوریه»<sup>۳</sup> (Ontario Court of Justice, Arar v. Syrian Arab Republic, 2005: 187).

جدا از این امر، به نظر می‌رسد در قوانین مصونیت دولتی کانادا تعهدات بین‌المللی این کشور نقض شده است؛ از جمله اینکه از آنجا که اثبات رابطه انتساب به صورت دقیق از سوی خواهان یا شاکی با پیچیدگی خاصی مواجه است، صرف این که یک نهاد دولتی خارجی به عنوان یک نهاد تروریستی از سوی دولت کانادا معرفی شده باشد، کفایت می‌نماید و در این موارد نیاز به اثبات رابطه انتساب نیست. در این راستا،

<sup>۱</sup> Foreign Missions and International Organizations Act, SC 1991 c 41.

<sup>۲</sup> هوشنگ بوذری یک تبعه ایرانی که در ژوئن ۱۹۹۳ میلادی به دنبال اتهامات امنیتی توسط مأموران قضایی بازداشت شده و پس از آزادی در سال ۱۹۹۴ و فرار به سمت اروپا و سپس کانادا، اقدام به طرح دعوی علیه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۰ میلادی نمود و خواستار پرداخت غرامات به وی بابت ادعای بازداشت غیرقانونی شد. در ۱ می ۲۰۰۲، دادگاه عالی اونتاریو کانادا، دعوی وی را به دلیل عدم وجود صلاحیت قانونی برای رسیدگی به دعوی علیه یک دولت خارجی رد کرد و این رأی در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۴ میلادی نیز از سوی دادگاه تجدیدنظر کانادا مورد تأیید قرار گرفت. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به: <http://www.internationalcrimesdatabase.org/Case/918/Bouzari-v-Iran/>

<sup>۳</sup> این قضیه در ارتباط با ادعای شکنجه یک تبعه سوری مقیم کانادا به نام آزار علیه جمهوری عربی سوریه بود که دادگاه عالی اونتاریو به علت عدم وجود صلاحیت قانونی برای رسیدگی به دعوی علیه یک دولت خارجی آن را رد نمود.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



مقابله با تعدی به حقوق اساسی و آزادی بشر (حق تعیین سرنوشت نیز می‌تواند نمودی از آن باشد) آورده شده است که در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (سازمان همکاری اسلامی کنونی) در قاهره تضمین شده است.<sup>۱</sup> با توجه به عدم طبقه‌بندی حقوق به حقوق داخلی و بین‌المللی در نظام حقوقی اسلامی، باید اصل حمایت از مستضعفین را از جمله قواعدی دانست که واجد کارایی دوگانه داخلی و بین‌المللی است و

#### ۴. سناریوی حقوقی دولت کانادا

استدلال اصلی محاکم قضایی کانادا در مورد نقض مصونیت اموال دولتی جمهوری اسلامی ایران در این کشور، تروریستی بودن گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان است که هرگونه حمایت از آن‌ها، حمایت از گروه‌های تروریستی تلقی می‌شود.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، مهم‌ترین استدلال دولت کانادا در ارتباط با نقض اموال دولت ایران در کانادا، حمایت ایران از گروه‌های تروریستی بوده است. البته هم چنان که پیش‌تر گفته شد به جز فهرست گروه‌های تروریستی که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد صورت می‌پذیرد و دولت‌ها در ارتباط با آنها اتفاق نظر دارند، در سایر موارد، اختلاف نظرهای گسترده‌ای در ارتباط با فهرست گروه‌ها و اشخاص تروریستی وجود دارد به طوریکه ممکن است افراد و گروه‌هایی که از سوی

دولت کانادا در نوامبر ۲۰۰۲ میلادی، حماس را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد و پیش از آن نیز، نخست‌وزیر وقت کانادا، «جین چریتین» در می ۲۰۰۰، صندوق بیت‌المقدس برای خدمات حماس یا همان صندوق بیت‌المقدس را به‌عنوان منبع تأمین مالی حماس در کانادا شناسایی کرد. «ئتلاف کانادا برای دموکراسی‌ها»<sup>۳</sup> متعاقباً ادعا کرد که صندوق بیت‌المقدس از طریق تغییر نام خود به «صندوق کمک‌های بین‌المللی برای در ماندگان و نیازمندان»<sup>۴</sup> موسوم به «ایفران» در بین سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ در جهت کمک به حماس کوشیده است. با این حال در سال ۲۰۰۴، اداره درآمدهای کانادا فعالیت‌های این

<sup>۱</sup> در مقدمه اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۰ میلادی آمده است: «حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام، جزئی از دین مسلمین است».  
<sup>۲</sup> ایالات متحده آمریکا به همین منظور، در سال ۲۰۰۷ میلادی پایگاهی در نزدیکی مرز ایران در استان واسط در شرق بغداد برای مقابله با انتقال تسلیحات جمهوری اسلامی ایران به جنبش‌های مقاومت اسلامی برپا کرد. در جولای ۲۰۰۸، نیروهای ایالات متحده و کارشناسان امنیت مرزی ایالات متحده، پایگاه‌های دیگری در نزدیکی مرز ایران در استان میزان عراق برپا داشتند. همچنین دولت جورج دبلیو بوش در ۲۱ اکتبر ۲۰۰۷ میلادی بر طبق دستور اجرایی ۱۳۲۲۴، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران را در فهرست ادعایی موجودیت‌های حامی تروریسم قرار داد.

<sup>۳</sup> "The Canadian Coalition for Democracies"

<sup>۴</sup> "International Relief Fund for the Afflicted and Needy"





پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



کارکردی خود این مفهوم را تعریف کرده‌اند که به‌هیچ‌وجه حاکی از جهان‌شمولی چنین تعاریفی نیست. از سوی دیگر کانادا، ایالات متحده و رژیم صهیونیستی پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دادند؛ اما این تصمیم نه تنها با اعتراض لبنان به‌عنوان کشور محل فعالیت این جنبش و کشورهای اسلامی مواجه شد، بلکه اتحادیه اروپایی به‌عنوان متحد کانادا و ایالات متحده نیز به این تصمیم به‌شدت اعتراض کرد. این امر بیانگر عدم اتفاق نظر در مورد قرارگیری این جنبش‌ها ذیل سازمان‌های تروریستی در سطح جامعه بین‌المللی است.<sup>۱</sup>

۲- جمهوری اسلامی ایران بارها تأکید کرده، تنها مرجع صالح بین‌المللی برای تعیین وصف اعمال تروریستی، سازمان ملل متحد و به‌ویژه شورای امنیت آن است؛ این در حالی است که هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت یا مجمع عمومی ملل متحد یا نهادهای صالح دیگر ملل متحد، در زمینه مقابله با اعمال تروریستی جنبش‌های مقاومت اسلامی همچون حزب‌الله لبنان و حماس در زمره گروه‌های تروریستی مطلبی ارائه نکرده است.<sup>۲</sup> بر این اساس ادعای دول عمدتاً غربی مبنی بر تروریستی بودن این گروه‌ها از لحاظ حقوق بین‌الملل فاقد وجاهت قانونی است.<sup>۳</sup>

جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه پس از حملات غیرقانونی ایالات متحده آمریکا به افغانستان و عراق در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ همواره تأکید کرده که حضور قدرت‌های نظامی خارجی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا خود برهم زنده صلح و امنیت منطقه‌ای و عاملی برای رشد تروریسم در این منطقه است.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> البته پارلمان اروپایی در سال ۲۰۰۵ در یک تصمیم غیر الزام‌آور، حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های حامی تروریسم قرار داد؛ با این حال این تصمیم فراتر از بعد اعلامی آن، کشورها را در اتحادیه اروپایی ملزم نکرد تا اقدامی علیه این جنبش مقاومت اسلامی انجام دهند یا ارتباطاتشان را تا زمانی که خود اتحادیه اروپایی تصمیم الزام‌آوری در این زمینه اتخاذ نماید به حالت تعلیق درآورند.

<sup>۲</sup> برای نمونه سازمان ملل متحد پس از پایان تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به لبنان و پیروزی قاطع حزب‌الله لبنان در سال ۲۰۰۶، برای ایجاد آتش‌بس و استقرار نیروهای حافظ صلح ملل متحد با عنوان «نیروی سازمان ملل متحد در لبنان» یا «یونیفیل» اقدام به تصویب قطعنامه ۱۷۰۱ کرد؛ درحالی‌که هیچ استنادی به تروریستی بودن حزب‌الله لبنان ننمود.

<sup>۳</sup> در این زمینه می‌توان به گزارش‌های کشوری وزارت امور خارجه ایالات متحده راجع به تروریسم اشاره نمود که بر مبنای آن، جمهوری اسلامی ایران از سازمان‌ها و گروه‌های شبه‌نظامی از جمله حزب‌الله لبنان، گروه‌های شبه‌نظامی فلسطینی، شبه‌نظامیان عراق و جنگجویان طالبان در افغانستان که از نظر ایالات متحده، تروریستی هستند، حمایت می‌کند.

<sup>۴</sup> در این زمینه می‌توان به اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این زمینه اشاره کرد که فرموده‌اند: «مروزه سیاست‌های استکباری در این منطقه کاملاً افشاء شده است. ملت‌ها می‌دانند که سیاست‌های استکباری در این منطقه چه می‌خواهند؛ دنبال چه آمده‌اند. حضور آمریکایی‌ها در خلیج فارس وسیله ناامنی است؛ این را ملت‌ها فهمیده‌اند. ... مهم‌ترین وسیله ناامنی برای مردم عراق، حضور بی‌محابای اشغالگران است که نه به جان مردم، نه به مال مردم، نه به ناموس مردم، نه به غرور ملی مردم، هیچ اعتنایی نمی‌کنند». اظهارات رئیس‌جمهور روحانی در دیدار با حامد کرزی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان در سال ۱۳۹۲ اشاره داشت: «ما نگران تنش‌های حاصل از حضور



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



ج- رجوع به «دیوان بین‌الملل دادگستری» می‌تواند یکی دیگر از اقدامات ایران باشد؛ مانند قضیه «پترسون»<sup>۱</sup> که البته ضعف عمده آن عدم پذیرش صلاحیت اجباری دیوان در عهدنامه مشابهی مانند

<sup>۱</sup> در بانک مرکزی ایران از بین سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷، بخشی از دارایی‌های ارزی خود به ارزش ۲ میلیارد دلار را به صورت اوراق قرضه دلاری نزد شرکت کلیر استریم که شرکت امین اوراق ثبت شده در لوکزامبرگ بوده است، سرمایه گذاری نموده است. این شرکت نیز اقدام به سرمایه گذاری این وجوه در بانک سیتی گروپ ایالات متحده آمریکا نمود. از این مقدار رقم معادل ۱.۷۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ و به دنبال تصویب قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی سخت گیرانه و ظالمانه ایالات متحده بر علیه ایران در باب ممنوعیت انتقال پول بانک‌های ایرانی توسط بانک‌های بین‌المللی از جمله UBS سوییس، HSBC انگلستان، Commerzbank آلمان و ... مسدود و سپس ضبط شده است. در دی ماه ۱۳۹۰، کنگره ایالات متحده اما با اصلاح خلاف صریح حقوق بین‌الملل قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه، صراحتاً ذکر نمود که برای جبران خسارات خواهان متضرر آمریکایی از اعمال ادعایی تروریستی ج.ا.ایران، می‌بایستی وجوه سرمایه گذاری شده ج.ا.ایران توسط شرکت کلیر استریم در نزد بانک سیتی گروپ ایالات متحده، مسدود و به متضررین پرداخت گردد. بسط مفهوم تروریسم در این قانون و قوانین قبلی به نحوی که علاوه بر نظامیان آمریکایی به پیمانکاران ارتش آمریکا نیز اجازه داده تا علیه دول حامی تروریسم در محاکم داخلی ایالات متحده، طرح دعوی کنند باعث موسع شدن بیش از حد تروریسم از یک استثنا به یک اصل نسبت به مصونیت دولت‌ها گشته است. این امر مخالف با قواعد عرفی بین‌المللی راجع به مصونیت دولت‌ها بوده که در مواد ۱ و ۵ کنوانسیون بین‌المللی مصونیت دولت‌ها و اموال آنها به عنوان یک اصل بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. هم چنین سازمان‌های بین‌المللی نیز به این اقدام ناقض حقوق بین‌الملل حاکم بر مصونیت دولت‌های ایالات متحده واکنش نشان دادند که مهم‌ترین آنها صدور بیانیه اعتراضی جنبش عدم تعهد بود که در آن، تلاش دولت، کنگره و دادگاه‌های داخلی ایالات متحده برای مصادره اموال بانک مرکزی ایران را مردود دانسته و بر اصل مصونیت دولت‌ها به عنوان یکی از قواعد آمره بین‌المللی تأکید کرد.

دولت ایران بلافاصله پس از این راهزنی اموال ملت ایران، دستور تشکیل کمیته ویژه‌ای تحت نظارت وزیر امور اقتصاد و دارایی و متشکل از وزرای امور خارجه، اطلاعات، دادگستری و رییس کل بانک مرکزی ایران برای پیگیری اقدامات ضروری حقوقی و سیاسی به منظور رفع توقیف غیرقانونی ۲ میلیارد دلار ملت ایران را داد. در بیانیه صادره این کمیته ویژه پس از پایان بررسی‌هایش، ضمن تأکید بر اینکه به دلیل آنکه، راهزنی ۲ میلیارد دلار ((صرفاً یک مورد خاص حقوقی یا سیاسی یا بانکی نبوده و با موضوع امنیت ملی مرتبط می‌باشد))؛ پیشنهاد شده بود که دو دستگاه شورای عالی امنیت ملی و قوه قضاییه مسئول پیگیری و اقدام اموال دستبرد شده ملت ایران باشند. پس از این گزارش، دولت ایران در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۶ به خاطر نقض موافقت نامه مودت ۱۹۵۵ فیما بین و این ادعا که برای دهه‌های متمادین، بدون هیچ گونه دلیل روشن به عنوان دولت حامی تروریسم معرفی شده و بر این اساس دعاوی متعددی داخلی علیه آن در محاکم قضایی آمریکایی اقامه و منجر به صدور احکام قضایی ظالمانه‌ای شده است که نهایتاً موجبات نقض مصونیت دولت ایران را بر خلاف قواعد آمره بین‌المللی فراهم ساخته است، دعوایی را در نزد دفتر دیوان بین‌الملل دادگستری بر مبنای بند ۲ ماده ۲۱ موافقت نامه مودت به ثبت رسانید. این ماده تاکنون مبنای صلاحیتی دیوان در دو قضیه<sup>۲</sup> بازداشت کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران در ۱۹۷۹ و قضیه سکوه‌ای نفتی در سال ۱۹۹۲ بوده است که از این رو، به استناد ج.ا.ایران یک مبنای قانونی و مشروع نسبت به ارجاع به صلاحیت دیوان می‌دهد. با این حال، مشکل عمده‌ای که در این استناد وجود دارد آن است که صرفاً در صورت اختلاف در تفسیر و اجرای عهدنامه مودت می‌باشد که دیوان بین‌المللی دادگستری از صلاحیت اجباری برخوردار خواهد بود و نه در موارد نقض آن. بنابراین، بر اساس اصل تفسیر مضیق بایستی تا بدان جا که امکان پذیر است، دامنه شمول موارد نقض به منظور ارجاع به دیوان را محدود نمود. در این دادخواست، اعلان شده است که تا زمان طرح این دادخواست، ایالات متحده آمریکا با ادعای واهی حمایت ایران از تروریسم، مبلغی بالغ بر ۵۶ میلیارد دلار به ج.ا.ایران خسارت وارد آورده است. برای اطلاعات بیشتر در این باره ن.ک به: تدینی، عباس و کازرونی، سیدمصطفی؛ بررسی تطبیقی قوانین مصونیت دولتی جمهوری اسلامی ایران با ایالات متحده آمریکا با توجه به دستبرد اخیر ۲ میلیارد دلاری ایالات متحده آمریکا بر اموال مالی ایران؛ فصلنامه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، دوره ۷، شماره‌گان ۱ و ۲، صص ۴۶۱-۴۹۱.



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



اداره امور بین الملل قوه قضائیه و وزارت دادگستری جمهوری اسلامی ایران، موافقت نامه های معاضدت قضایی خود را افزایش دهند. با توجه به اینکه ممکن است دولت های محکوم در قلمرو سرزمینی جمهوری اسلامی ایران، اموالی به ارزش مورد رأی نداشته باشند؛ باید در جهت همکاری قضایی و اطلاعاتی با سایر دولت ها، به ویژه در کشورهای متحدی همچون سوریه و عراق اقدام کرد. خسارت تنبیهی یکی از ظرفیت های بالقوه مندرج در قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به برخی دعاوی مدنی علیه دولت های خارجی است. استفاده از این ظرفیت در دعاوی پیشین علیه دولت های خارجی در محاکم دادگستری جمهوری اسلامی ایران به دلیل فقدان اطلاعات قابل اتکا؛ قابلیت سنجش و ارزیابی ندارد؛ اما پیشنهاد می شود برای پیشگیری از ورود چنین خسارت هایی به جمهوری اسلامی ایران در آینده، قوه قضائیه از این ظرفیت به نحو مطلوب تری استفاده کند.

#### منابع

- Abdullahi, Mohsen and Khandan Kokhaki, Jamal. (2019) Exception of terrorism in the immunity laws of Iran, USA and Canada. Legal Research Quarterly of Shahid Beheshti University. Number 77
- Arar v. Syrian Arab Republic, Ontario Superior Court of Justice, 2005 Carswell ont 768, 28 C.R. (6<sup>th</sup>) 187, 127.
- Bouzari v. Islamic Republic of Iran, [2002] O.J. No. 1624 (S.C.J.), per Swinton J.; aff'd by [2004] O.J. No. 2800 (C.A.)
- Edward Tracy v The Iranian Ministry of Information and Security, 2014 ONSC 1969 (SCJ) at 47
- Fard, Zahra; Zarei, Bahadur (2019); Islamic Justice and Critical Discourse in Iran's Foreign Policy, Policy Quarterly, 40th Volume, Number 3
- Foreign Missions and International Organizations Act, SC 1991 c 41.
- Justice for Victims of Terrorism Act of 2012
- Poland's Law on the Safeguard of Cultural Property
- Supreme Court of Canada, "Kazemi Estate v. Islamic Republic of Iran,
- Tadini, Abbas and Kazroni, Seyed Mustafa (2015); A comparative study of the state immunity laws of the Islamic Republic of Iran and the United States of America, considering the recent seizure of



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی